

برنامه راهبردی صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های اخیر همواره محل بحث و چالش بوده است. این در حالی است که حداقل طی سه دولت قبلی، سه برنامه راهبردی مختلف در این صنعت ارائه شده و به جرات می‌توان گفت که هیچکدام اجرایی نشده‌اند. حتی بابت اجرای برنامه دولت مرحوم ریسی که توسط وزیر محترم صنعت در حاشیه نمایشگاه‌های بین‌المللی نساجی و پوشاک در سال گذشته رونمایی شد نیز نشانه‌های مثبتی دیده نمی‌شود.

جدای از اینکه دولت‌ها بابت راهبردهای صنعتی خود حتماً دچار اختلاف سلیق‌سیاسی هستند و هر دولتی بعد از استقرار، برنامه راهبردی خاص خود را تدوین می‌کند اما باید توجه داشت که فضای کسب و کار را نمی‌توان معطل سلیقه و رای جناح‌های سیاسی نمود، به‌خصوص در شرایطی که رقبای منطقه‌ای ما به سرعت در حال سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه صنایع نساجی و پوشاک خود هستند.

مثال‌های گوناگونی را می‌توان از رشد و توسعه سریع کشورهای در سایه برنامه‌های راهبردی خود عنوان نمود که دقیقاً در زمان بی‌عملی و بی‌برنامگی ما، به سرعت توانستند علاوه بر جبران عقب‌ماندگی‌های خود، گوی سبقت را از ما ربوده و تبدیل به رقبای جدی شوند. کشورهای بنگلادش و ازبکستان مثال‌های بارزی برای این مهم هستند.

کشور بنگلادش با برنامه‌ریزی منسجم و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه صنعت پوشاک و کشور ازبکستان با برنامه‌ریزی مدون و رشد سریع در صنایع نساجی مثال‌های بارز این موضوع هستند. بنگلادش کشوری که در فقر مطلق به سر می‌برد؛ هم‌اکنون با اتصال به زنجیره‌های ارزش جهانی پوشاک توانسته میلیاردها دلار درآمد از ناحیه صادرات پوشاک کسب کند. ازبکستان که تنها نقطه قوت خود را در کشت پنبه می‌دید؛ توانست با تکیه بر همین موضوع و برنامه‌ریزی مدون، این مزیت خود را تبدیل به ارزش افزوده کرده و با سرمایه‌گذاری در صنایع ریسندگی و اخیراً در بافندگی و رنگرزی، هم‌اکنون خود را به یکی از مهمترین رقبای منطقه‌ای معرفی نماید.

اتفاقاً هر دو کشور برای تحقق برنامه‌های خود سعی و تلاش فراوان نموده و در این راستا تمام ذینفعان را در دولت‌های خود و بخش خصوصی، همسو نمودند و این موضوع با توجه به تعدد ذی‌نفعان و تضاد منافع که بین آنهاست، اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌عنوان مثال ازبکستان تصمیم خود را مبنی بر عدم صادرات پنبه از سال ۲۰۲۲ عنوان نمود و روی همین نقطه ایستاد و با برنامه‌ریزی‌های مدون از سال ۲۰۱۹ توانست این موضوع را عملی نماید و جدای اینکه هم‌اکنون یکی از مهمترین کشورهای منطقه در تامین نخ‌های پنبه‌ای است، برنامه خود را برای سال ۲۰۲۸ به‌گونه‌ای تنظیم نموده که تبدیل به قطب پارچه منطقه گردد.

در کشور ما درست عکس این موضوع عمل می‌شود و در حالی که دولت و وزارت صنعت، عزمی برای تدوین و عملیاتی نمودن برنامه‌های راهبردی ندارد، طبیعتاً توانایی همسویی ذی‌نفعان را حول برنامه‌ای مشخص نیز نداشته و توانایی همسویی در سازمان‌های مختلف ذیل وزارت صمت را نیز ندارد به نحوی که معاونت‌ها، ادارات کل و سازمان‌های زیرمجموعه، بابت اداره کردن صنعت به‌خصوص نساجی و پوشاک، هر کدام ساز خود را می‌زنند.

به‌رحال موضوعی که مانند روز روشن است این که بدون برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر اهداف کمی که قابل نظارت و ارزیابی باشند، صنایع نساجی و پوشاک ما هر روز در برابر رقبای منطقه‌ای خود عقب‌رفت بیشتری خواهد داشت و جا دارد در این موضوع؛ تأملی ریشه‌ای و فعال نمود.